

مروری بر مطبوعه‌های تاریخی ایران در کتابخانه مجلس (۱)

■ از «اخبار» دهلی تا «اختر» دارالخلافة

کار: گروه تحقیق

مسئول گروه: علیرضا حسینی پاکدهی

اشاره:

چنانکه از منابع موجود برمی‌آید از انتشار اولین روزنامه فارسی زبان تاکنون نزدیک به دو قرن می‌گذرد. طی این مدت، نشریات متعددی به فارسی در داخل و یا خارج از ایران - منتشر شده‌اند. کتابخانه مجلس شورای اسلامی که بخشی از این مطبوعات را به عنوان اسناد تاریخی در خود جای داده است، یکی از مهمترین کتابخانه‌های کشور و یکی از مراکز مهم تحقیقی - به ویژه در این زمینه - به شمار می‌رود. از اینرو در این نوشتار سعی بر این بوده است تا ابتدا روشن شود که از آغاز تا صدر مشروطه، چه مطبوعات و با چه ویژگیها و خصوصیات در داخل کشور و یا به زبان فارسی در خارج از کشور منتشر می‌شده‌اند و سپس کدامیک و چه شماره‌هایی از آنها در کتابخانه مجلس وجود دارد. افزون بر این کوشش شده است که از نشریات این دوره تاریخی که در کتابخانه موجود بوده‌اند ضمن انتخاب، عکسی نیز جهت آشنایی و استفاده بیشتر خوانندگان محترم منعکس شود. در ضمن اطلاعاتی نیز پیرامون آن دسته از مطبوعات و نشریات این دوره که در کتابخانه موجود نبوده‌اند، با استفاده از منابع و کتابهای موجود، ارائه شده‌است.

این نوشتار به علت حجم زیاد، در سه قسمت و در سه شماره مجله منتشر خواهد شد. قسمت اول آن که از آغاز انتشار اولین روزنامه فارسی زبان تا سال ۱۸۷۵ میلادی را دربرمی‌گیرد در این شماره از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.

سیری در برجسته‌ترین حوادث تاریخی کشورها و جوامع مختلف بیانگر نقش و جایگاه مهم وسایل ارتباطی در تحولات سیاسی - اجتماعی آن کشورهاست. در دوران انقلاب فرانسه، نهضت مشروطه ایران، در دوران انقلاب اسلامی ایران و بسیاری از وقایع و حوادث تاریخی، نقش وسایل ارتباطی و بخصوص روزنامه‌ها و مطالب چاپی غیر قابل تردید است. با این همه پیشرفت‌های بسیار سریع و درخشانی که بشریت در زمینه وسایل ارتباطی و تکنولوژیهای جدید، بدانها دست یافته است، نه تنها از نقش و اهمیت مطالب چاپی و روزنامه‌ها کاسته نشده است. بلکه در برخی از جنبه‌ها گسترش نیز یافته است. از اینرو توجه به این وسایل و رسانه‌ها و بررسی آنها دارای اهمیت ویژه و خاص است و برای ما - مای ایرانی که هنوز زمان زیادی از آغاز تاریخ روزنامه‌نگاری کشورمان نمی‌گذرد - توجه به مطبوعات و سیر آن در ایران و نقش آن در حوادث و وقایع مهم تاریخی به ویژه یکصد ساله اخیر - در (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران) از جایگاه بنیادی و اساسی می‌بایست برخوردار باشد و بدون شک بدون توجه به این رسانه‌های مکتوب، مطالعه زمان گذشته حتی نه چندان دور نیز میسر و امکانپذیر نیست.

کتابخانه‌های مهم کشورمان، هر کدام بخشی از این تاریخ گذشته را در خود به ودیعه دارند و گنجینه بسیار گرانبهائی از افکار و اندیشه‌های نسلهای گذشته را به

تدریج در خود جای داده و به عبارتی ماندگار کرده‌اند اما وظیفه ما اینک ایجاب می‌کند که برای برداشتن گامهایی محکم و استوار و ساختن جامعه‌ای سالم و کامل، از این ذخایر نیز در کنار سایر میراث‌ها، استفاده کنیم و آنها را از رکود خارج سازیم و با بهره‌گیری مناسب به آنها و به افکار و اندیشه‌های گذشتگان، پویایی و تحرک ببخشیم.

از میان کتابخانه‌های کشور، کتابخانه مجلس شورای اسلامی یکی از مهمترین آنهاست که دارای اهمیت و جایگاه خاصی است. این کتابخانه از جمله غنی‌ترین کتابخانه‌های کشور است که دارای بخشهای متعدد از آثار مربوط به تاریخ گذشته کشورمان است و بخشی از این آثار، شامل مطبوعات کهن و قدیمی و تاریخی ایران است که اینک با نهایت دقت از آنها حفاظت و نگهداری می‌شود و باید گفت که هر برگ از این آثار، گویای بخشی از تاریخ گذشته ما و اندیشه حاکم بر اجتماع آن زمان و همچنین شرایط و موقعیت سیاسی - اجتماعی آن دوره می‌باشد که به‌عنوان میراث فرهنگی به ما به ارث رسیده و بر ماست که از آنها بیاموزیم و چراغی فراراه آینده بیفزوییم.

سخن از کتابخانه مجلس شورای اسلامی و بخش مطبوعات آن است. بر آن شدیم تا اطلاعاتی را هر چند مختصر از ویژگیها و خصوصیات هر یک از مطبوعات - روزنامه‌ها و مجلات - و به ویژه نمونه‌ای از متن آنها را از آغاز انتشار روزنامه در ایران تا صدر مشروطه و همچنین روزنامه‌های

کتابخانه

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران پرداخته است و از منابع خارجی و فارسی نهایت استفاده را برده است. مثلاً دستیابی وی برای اولین بار به نسخه‌هایی از روزنامه «کاغذ اخبار» در موزه بریتانیا، کشف تازه‌ای در زمینه تاریخ روزنامه نگاری ایران است که تا قبل از انتشار اثر ایشان، تصور بر این بود که روزنامه «وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه منتشر شده در ایران است، لیکن این امر ثابت کرد که مدتی پیش‌تر از انتشار «وقایع اتفاقیه»، روزنامه «کاغذ اخبار» منتشر شده است. اما دلیل دیگر آنکه برخی از منابع فارسی فقط به ذکر و یژگیهای ظاهری روزنامه‌ها اشاره کرده‌اند و به ویژه از «متن» روزنامه‌های مورد بحث، نمونه‌ای در خود ندارند. از اینرو از این دو منبع استفاده بیشتری به عمل آمده است و تلاش شده است تا تلفیقی از اطلاعات موجود در منابع ایجاد شود تا سودمندی بیشتری را برای خوانندگان محترم به همراه داشته باشد.

نکته دیگری که باید اشاره کنیم این است که در برخی از موارد، روزنامه‌های مورد بحث نه در کتابخانه مجلس موجود بوده‌اند و نه منابع موجود درباره آنها توضیح کافی داده‌اند. لذا مجبور شده‌ایم همان اطلاعات اندک و ناقص را درباره آنها بیاوریم. در پایان باید اضافه کنیم که مطالب فراهم شده بر اساس سال تاسیس روزنامه‌ها یا نشریات تنظیم شده‌اند.

فارسی زبان خارج از کشور در این دوره تاریخی فراهم کنیم و در اختیار دوستداران میراث گذشته بگذاریم. برای انجام این مقصود، کوشش شده است تا با مراجعه به روزنامه‌های موجود در کتابخانه که مربوط به دوره تاریخی مورد اشاره هستند اطلاعات لازم مستقیماً از آنها استخراج شود. لیکن متأسفانه باید بگوئیم که تعداد زیادی از این روزنامه‌ها به دلایل مختلف در کتابخانه مجلس وجود ندارند که به این دلایل بعداً اشاره خواهیم کرد. در این موارد، سعی شده است تا به منابع مختلف در زمینه مطبوعات ایران مراجعه شود و اطلاعات لازم پیرامون آنها فراهم شود.

از میان منابع موجود، دو منبع بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در واقع، اساس و بنیاد اطلاعات این نوشتار از آنها استخراج شده است. این دو منبع عبارتند از «تاریخ جراید و مجلات ایران» تألیف محمد صدر هاشمی و «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» تألیف مولانا. انتخاب این دو منبع چند دلیل داشته است؛ اول آنکه، این دو منبع از منابع پیشین، بیشترین استفاده را کرده‌اند و در واقع باید گفت که «تاریخ جرائد و مجلات ایران» کاملترین لیست روزنامه‌ها و مجلات ایران از ابتدا تا آغاز جنگ بین‌المللی دوم است و از سوی دیگر کتاب مولانا، اثری است تحقیقی، علمی و آکادمیک که به ویژه به بررسی و تحلیل نقش ارتباطات و روزنامه‌نگاری در امور

بخش نشریات کتابخانه مجلس شورای اسلامی

آقای عبدالحسین حائری که ریاست و مسئولیت کتابخانه مجلس را برعهده دارد درباره بخش مطبوعات و نشریات آن چنین توضیح می‌دهد: «از اول که کتابخانه مجلس تاسیس شده یک بخش خاصی برای نشریات وجود داشته است که الان هم در همین ساختمان کنونی کتابخانه و در طبقه سوم، یک اطاق بزرگ به این امر اختصاص دارد. اما نکته‌ای که درباره کتابخانه در مورد مطبوعات وجود دارد این است که انسان فکر می‌کند که حتماً بیشتر مطالب و نشریات پس از انتشار، به کتابخانه مجلس می‌آمده است ولی متأسفانه بیشتر و یا گاهی تمام آنها به کتابخانه نمی‌رسیده است و یا اگر هم می‌رسیده، عنایتی به آرشیو کردن آنها در کار نبوده است از این نظر بخصوص از نشریات شهرستانها، شماره‌های متفرق و ناقص داریم که بیشتر ناشی از همین امر بوده است.

به یاد دارم که سالها، بسته‌های نشریات که برای کتابخانه می‌آمد و به وسیله پست وارد کتابخانه می‌شد از طرف کتابخانه از دریچه‌ای که به زیرزمین باز می‌شد و در زیر دفتر کتابخانه قرار داشت این بسته‌ها به همان شکل به داخل زیر زمین انداخته می‌شد و به هیچ وجه به آنها رسیدگی نمی‌شد تا اینکه در سال ۱۳۴۲ یا ۱۳۴۳ رئیس وقت کتابخانه مجلس، یکسری وسایل و از جمله همین روزنامه‌ها و نشریات را که تعداد آنها بسیار زیاد بود و

انبار بزرگی را فرا گرفته بود به آموزش و پرورش واگذار کرد. بنابراین باید اینطور ذکر کنیم که بسیاری از شماره‌های روزنامه‌ها و نشریات کتابخانه که ناقص هست، خاصه نشریات شهرستانها، در این جریان از کتابخانه خارج شده و متأسفانه به آرشیو نرسیده است. البته در نشریات کثیرالانتشار تهران از قبیل کیهان و اطلاعات، دیگر روزنامه‌ها و مجلات، مثل باختر امروز، شاهد، رعد، اقدام، شفق سرخ و غیره نقص بسیار اندک است و برای تکمیل آنها توجه و عنایت کافی شده است.

درباره میزان نشریات قدیمی و چگونگی گردآوری آنها در کتابخانه مجلس شورای اسلامی باید اشاره کنم که کتابخانه در سال ۱۳۰۲ تاسیس شده است و این امر بر اساس نیتی بوده است که در سالهای پیش از آن در فکر مسئولین مجلس که تصمیم داشته‌اند کتابخانه‌ای برای مجلس تاسیس کنند وجود داشته است بنابراین طبعاً کتابخانه همزمان با انتشار نشریات گذشته و قدیمی وجود نداشته است و در نتیجه کتابخانه مجلس - هر چقدر که توانسته است - از نشریات قدیمی تهیه کرده است از قبیل دوره‌های وقایع اتفاقیه، ایران و غیره. همچنین این نکته را نباید ناگفته گذاشت که از میان مجموعه‌های اهداء شده به کتابخانه نیز دوره‌ها و مجلداتی از نشریات و روزنامه‌های گذشته وجود داشته که اکنون نیز در کتابخانه موجودند. مانند مجموعه ناصرالدوله فیروز میرزا که در مجموعه وی، روزنامه‌های اطلاع، وقایع اتفاقیه،

کتابخانه

ترمیم یک روزنامه، مدت زیادی زمان می‌برد از آنها فیلم تهیه می‌کند و اکنون تعدادی از این روزنامه‌ها که به صورت فیلم شده پس از مرمت وجود دارد. اما این مقدار در برابر نشریات فیلم نشده و مرمت نشده، بسیار اندک است و به هر حال مسئولین محترم باید دربارهٔ روزنامه‌های فرسوده اندیشه کنند.

دربارهٔ مراجعین و طالبان روزنامه‌های قدیمی نیز باید بگویم که در دوران پس از انقلاب، مراجعهٔ به نشریات بسیار افزون شده است. محققین از همهٔ طبقات، جوان و پیر، به بخش نشریات مراجعه می‌کنند. آنهایی که در تاریخ مشروطه، در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به طور کلی دربارهٔ تاریخ ایران کار و تحقیق می‌کنند طبعاً به روزنامه‌ها مراجعه می‌کنند و تعداد آنها هم در این ایام کم نیست اما ناگفته نماند که دربارهٔ مراجعین «ثبت»، مشکل همچنان برجاست و راه‌حلی که کتابخانه برگزیده است این است که در مورد افراد مستمند و ضعیف و در بعضی موارد مهم دولتی، بدون شک همکاری می‌کند و برای اینکه به روزنامه‌ها از این راه لطمهٔ بیشتری وارد نشود همکاران کتابخانه، کار جستجو را خودشان بر عهده می‌گیرند و در دیگر موارد هم، مراجعین را به کتابخانه‌های دیگر احاله می‌کنیم. بدنیست که در اینجا به مهمترین روزنامه‌های قدیمی هم اشاره کنم مهمتر از همهٔ آنها به نظر من روزنامهٔ «وقایع اتفاقیه»

حبل‌المتین و غیره وجود دارد یا در مجموعهٔ اهدایی سید نصراله تقوی و مجموعهٔ سید محمد صادق طباطبائی نیز روزنامه‌های قدیمی موجود است.

اصولاً نشریات قدیم، بدون شک اسناد مملکت به حساب می‌آیند و ما به یک روزنامه به عنوان یک مجموعهٔ اسناد نگاه می‌کنیم. برای اینکه روزنامه‌ها حکایت از اتفاقات و حوادثی دارند که در زمان نشر روزنامه‌ها واقع شده است. بنابراین با وجود این اهمیتی که روزنامه‌ها به عنوان سند دارا هستند متأسفانه همانند دیگر اسناد از توجه و عنایت کافی برخوردار نبوده‌اند و بسیاری از آنها که بر روی کاغذهای «کاهی» چاپ شده‌اند غالباً به شدت فرسوده و پاره شده‌اند و در شرف نابودی قرار دارند. البته یکی از دلایل این امر مراجعات مکرر، خاصه از طرف متقاضیان ثبت بوده است که به دنبال آگهی‌های ثبتی بوده‌اند و برگه‌های روزنامه‌ها را بدون دقت و توجه ورق می‌زده‌اند و به شدت موجب فرسودگی نشریات شده‌اند و اینک تنها راه حفظ این اسناد ذی‌قیمت از نابودی، اقدام جدی مسئولین محترم است که در مورد تهیهٔ فیلم از نشریات و یا چاپ آنها به صورت افست و یا مرمت آنها اقدام اساسی بنمایند. البته کتابخانهٔ مجلس به سهم خود روزنامه‌هایی را که به شدت فرسوده‌اند و پارگی‌های زیادی دارند به دست صحافی سستی می‌سپارد و پس از ترمیم کامل آنها که گاه

در شکل اول، نشریات و روزنامه‌هایی هستند که از تعداد شماره‌های منتشر شده از آنها به مقدار کافی و قابل ملاحظه در کتابخانه موجود بوده‌اند که آنها را در یک یا چند جلد، بسته به میزان و حجم روزنامه، به طور مستقل و جداگانه صحافی کرده‌اند مثلاً شماره‌های سال سوم روزنامه حبل‌المتین در یک جلد، و سال چهارم آن در جلد دیگری و نظیر آن. اما در شکل دوم، نشریات و روزنامه‌هایی هستند که تعداد شماره موجود از آنها در کتابخانه بسیار کم و ناچیز بوده است که در این حالت، از این شماره‌های کم از روزنامه‌های متعدد، چند روزنامه در کنار یکدیگر در یک مجلد، صحافی شده و نگهداری می‌شود که از آنها در بخش مطبوعات و نشریات کتابخانه با عنوان «مجموعه» یاد می‌شود. مثلاً «مجموعه ۹۶» شامل چند شماره از روزنامه‌های اخبار، الجمال، چهره‌نما، حکمت و مظفری و... است که دسترسی به این گونه روزنامه‌ها و یافتن شماره مورد نظر در آنها کمی به سختی و دشواری امکانپذیر است.

پیدایش مطبوعات فارسی در آسیا و ایران

در حالی که شناخت و توسعه فن و صنعت کاغذسازی در ایران به سرعت انجام شد و رونق یافت، فن و صنعت چاپ در ایران به کندی راه پیدا کرد. فن کاغذسازی از طرف شرق آسیا به ایران آمد ولی معرفی فن

است که آغازگر روزنامه نگاری در ایران است و امیرکبیر با یک فکر متعالی آن را پایه‌گذاری کرد البته این درست است که قبل از آن روزنامه «کاغذ اخبار» وجود داشته است ولی چند شماره بیشتر از آن منتشر نشده است و در واقع باید «وقایع اتفاقیه» را پایه‌گذار روزنامه نگاری در ایران دانست که وقایع مهم مملکتی را به اطلاع مردم می‌رسانده است. روزنامه‌هایی مثل حبل‌المتین، ایران و غیره هم در حد خود مهم هستند ولی وقایع اتفاقیه به عنوان پایه‌گذار، از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین باید اضافه کنم که روزنامه‌هایی که قبل از مشروطه در ایران چاپ می‌شده‌اند بیشتر نشانگر فکر و اندیشه ایرانی هستند و از اهمیت بیشتری برخوردارند ولی روزنامه‌هایی مانند حکمت و نظایر آن که در خارج از کشور منتشر می‌شده‌اند نسبت به اخبار داخلی کشور، از اهمیت زیادی برخوردار نیستند و از سندیت کمتری برخوردارند اما درباره «آزادی» طبعاً روزنامه‌های خارج، دستشان برای نوشتن درباره آن، بازتر بوده و آزادتر بوده‌اند. وقتی که ایران در یک نظام دیکتاتوری و استبدادی بسر می‌برده و صحبت درباره «آزادی» میسر نبوده است مطالبی که درباره «آزادی» و مسائلی از این قبیل که روزنامه‌هایی مانند قانون و غیره می‌نوشته‌اند دارای اهمیت است و از این بعد، نشریات خارج از کشور نسبت به نشریات داخلی آنزمان از اهمیت خاص و بیشتری برخوردارند.»

بدنیست که در همین جا اضافه کنیم که

کتابخانه

رفت و آمد اروپاییها به ایران شدت می‌یابد و اشتیاق ایرانیها به خصوص عباس میرزا برای اخذ تمدن جدید اروپا باعث گشوده شدن فصل جدیدی از رابطه فرهنگی میان ایران و اروپا می‌شود.

برجسته‌ترین نشانه این روابط فرهنگی، اعزام یک گروه پنج نفره از محصلین ایرانی به خارج و اروپا است که در حدود ۱۸۱۵ میلادی به دستور عباس میرزا به لندن اعزام شدند. از جمله کسانی که جزو این اولین گروه اعزامی بود «میرزا صالح شیرازی» است که برای آموختن زبان انگلیسی به جهت مترجمی دولت اعزام شد لیکن او تنها به آموختن زبان انگلیسی اکتفا نکرد بلکه از فن چاپ و روزنامه نگاری نیز بهره گرفت و پس از بازگشت از اروپا، اولین روزنامه فارسی زبان را در ایران به نام «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۵۳ ق برابر با ۱۸۳۷ م منتشر ساخت.

صنعت چاپ در ایران به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم رواج یافت که در آن زمان مهمترین نمونه رسوخ تمدن غرب بشمار می‌رفت و بالطبع نتایج اجتماعی حاصل از آن در افکار و عقاید ایرانیان به ویژه طبقات دولتی حائز اهمیت است. اما از جمله نکات جالب توجه مربوط به تاریخ چاپ و همچنین انتشار روزنامه در ایران، توسعه بی نظیر چاپ سنگی است. با وجود اینکه چاپ سربی در زمان سلطنت فتحعلی شاه در ایران رواج داشت اما به علت وجود

چاپ در ایران، محصول و میوه تمدن غرب و اروپا بود. مطابق مدارکی که به جا مانده است در سال ۱۶۳۹ میلادی، درست ۱۹۰ سال بعد از آنکه «گوتنبرگ» در آلمان ماشین چاپ با حروف متحرک را اختراع کرد، اولین ماشین چاپ وارد ایران شد و در جلفای اصفهان نصب گردید که در زمان سلطنت شاه عباس صفوی انجام شد و از جمله کارهای درخشان دوره او به شمار می‌رود.^(۱)

هر چند ارتباط میان ایران و کشورهای اروپایی از زمان صفویان برقرار شد اما با خاتمه حکومت آنها، رابطه میان ایران با غرب توسعه نیافت و ظهور نادر شاه، دولتی مستعجل بود که مشی سیاسی و اداری قرن می‌یازدهم ایران را متوجه امور داخلی و جنگهای مداوم با همسایگان شرقی و غربی ساخت و نوآوریهای نادر نیز پس از او از میان رفت و توجه ایرانیها به صنعت و علوم اروپا رونق خاصی نداشت. اما با آغاز سلسله قاجاریه و مخصوصاً سلطنت فتحعلی شاه در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، نه تنها روابط ایران با کشورهای اروپایی روبه توسعه گذاشت بلکه علاقه دولت و دربار ایران و به ویژه شاهزاده عباس میرزا برای آشنایی و اقتباس فنون و علوم نظامی و اداری باعث شد توسعه فن چاپ بار دیگر مورد توجه جدی قرار گیرد و به تدریج، اولین روزنامه در ایران پدیدار شود. در واقع در همین زمان است که

خوشنویسان معروف و علاقه‌نویسندگان به خط و هنر خطاطی، اغلب کتابها و روزنامه‌های منتشره تا اواخر قرن نوزدهم به طریق چاپ سنگی انجام می‌شد و از زمان مظفرالدین شاه بار دیگر بتدریج چاپ سربی متداول شد که روزنامه‌های موجود قدیمی در کتابخانه مجلس، خود نشانگر این نکته است.

زادگاه و سرزمین اصلی زبان فارسی البته ایران است ولی بر خلاف انتظار، اولین مطبوعات و روزنامه‌های فارسی‌زبان در هندوستان منتشر شد. این امر خیلی تعجب آور به نظر می‌رسد ولی حداقل سه دلیل اصلی باعث شد که روزنامه‌های فارسی در هندوستان به سرعت رشد و نمو کند. اول آنکه صنعت چاپ در قرون هفدهم و هیجدهم میلادی در هندوستان بهتر از ایران پیشرفت کرده بود. دوم آنکه، زبان فارسی در هندوستان، زبان رسمی دربار و دولت به شمار می‌رفت و رواج زیادی داشت و حتی با نفوذ انگلیسی‌ها هر چند زبان انگلیسی به تدریج جایگزین زبان فارسی و زبانهای محلی دیگر شد تا اواخر قرن نوزدهم زبان فارسی در هند رونق خود را از دست نداده بود و یکی از زبانهای مهم بحساب می‌آمد بدین ترتیب وقتی چاپ روزنامه و کتاب در هندوستان آغاز شد بطور طبیعی زبان فارسی از این جریان بی‌نصیب نماند. و دلیل سوم آنکه، هندوستان با وجود اینکه یکی از مستعمرات انگلستان بشمار می‌رفت ولی امور دولتی و حکومتی آن از خیلی جهات از حکومت استبدادی و قدیمی

سلسله قاجار جلوتر و اروپایی‌تر بود. از طرف دیگر توجه انگلیس به نفوذ در فرهنگ و آموزش و پرورش هند، محیط مناسبی ایجاد کرده بود که در این شرایط امکان توسعه روزنامه‌نگاری و چاپ کتاب روزبه‌روز بیشتر می‌شد^(۲).

در میان اولین روزنامه‌های محلی هندوستان، رونامه‌ای بود به نام «اخبار» که در ۱۷۹۸ میلادی به زبان فارسی در دهلی منتشر شد. ولی روزنامه مهم فارسی که اول بار در هندوستان شهرت پیدا کرد «مرآت الاخبار» بود که توسط «راموهان روی» از روشنفکران اصلاح طلب اهل بنگال به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ در کلکته انتشار یافت و در حدود یکماه بعد، (۱۶ مه ۱۸۲۲) روزنامه هفتگی «جام جهان نما» به مدیریت یک هندی به نام «هوری هوردات» منتشر شد که چاپ فارسی آن به مدت ۵۴ سال در هندوستان ادامه یافت. از جمله روزنامه‌های معروف دیگر فارسی اوایل قرن نوزدهم در هندوستان عبارت بودند از «شمس‌الاخبار»، «آئینه سکندری»، «سلطان‌الاخبار»، «مهرمنیر»، و «جام جمشید»^(۳).

تاسیس و انتشار اولین روزنامه فارسی در ایران در زمان محمد شاه به تحقق پیوست. زمان زمامداری وی که چهارده سال طول کشید برای ایران سودی به همراه نداشت اما در تاریخ ارتباطات اجتماعی، انتشار اولین روزنامه فارسی ایران، تنها واقعه قابل توجه زمان سلطنت وی محسوب می‌شود. مولانا درباره اولین روزنامه ایران می‌نویسد: اولین روزنامه

فارسی در ایران، که عنوان و اسم رسمی نداشت ولی به نام «اخبار» یا «کاغذ اخبار» معروف بود، در سال ۱۲۵۳ هجری قمری مطابق با ۱۸۳۷ میلادی به مدیریت و سردبیری میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر شد (۴).

روزنامه کاغذ اخبار که به خط نستعلیق نوشته و با چاپ سنگی طبع می شد - در دو صفحه روی کاغذی با قطع بزرگ که پشت آن سفید بود - ماهانه انتشار می یافت. شماره اول این روزنامه به تاریخ محرم ۱۲۵۳ (آوریل - مه ۱۸۳۷) در تهران به چاپ رسیده است و هر صفحه آن در حدود ۲۴ سانتیمتر عرض و ۴۰ سانتیمتر طول دارد. در بالا و وسط صفحه اول آن علامت شیر و خورشید نقش شده و در زیر علامت به خط درشت نوشته شده است. «اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ که بدارالخلافة تهران انطباع یافته». بلافاصله زیر این جمله در صفحه اول، تیترو عنوان «اخبار ممالک شرقیه» و در بالای صفحه دوم، تیترو عنوان «اخبار ممالک غربیه» به خط درشت دیده می شود. مولانا علاوه بر اشاره به مطالب فوق درباره «کاغذ اخبار» اضافه می کند که در حقیقت باید متوجه بود که «کاغذ اخبار» ترجمه تحت اللفظی لغت انگلیسی (News Paper) است که بعدها در ایران به روزنامه معروف شد. در اوایل سلسه قاجاریه و قبل از انتشار روزنامه در ایران، لغت روزنامه به یادداشتهای روزانه

دولتی و اتفاقات روزانه امرا اطلاق می شد (۵).

روزنامه های داخلی و روزنامه های فارسی زبان خارج از کشور از آغاز تا صدور فرمان مشروطیت

باتوجه به مقدمه کوتاه و همچنین نگاه گذرایی که به بخش مطبوعات کتابخانه مجلس و پیدایش مطبوعات فارسی در آسیا و ایران داشتیم اینک به بررسی جداگانه هریک از روزنامه های مربوط به دوره تاریخی مورد اشاره، براساس سال تأسیس و یا انتشار آنها می پردازیم.

- اخبار

مولانا بر این عقیده است که شرایط و دلایل چندی باعث شد تا ابتدا نشریات و روزنامه های فارسی زبان در خارج از ایران و در کشور هندوستان انتشار یابد. دلیل اول به باور وی آن بود که صنعت چاپ در قرون هفده و هیجده میلادی در هندوستان بهتر از ایران پیشرفت کرده بود. دلیل دوم، رواج زبان فارسی در هندوستان بود؛ و دلیل سوم آنکه، طرز حکومت و اداره هندوستان از خیلی جهات از حکومت استبدادی و قدیمی سلسه قاجار جلوتر و اروپایی تر بود و به علاوه نفوذ انگلیس در فرهنگ و آموزش و پرورش هند، محیط مساعد و مناسبی را برای توسعه روزنامه نگاری و چاپ کتاب فراهم ساخته بود. بنابراین، شرایط مذکور باعث شد تا در اواخر قرن

- سلطان الاخبار

از جمله روزنامه‌های معروف فارسی زبان در هندوستان «سلطان الاخبار» بوده که در اوایل قرن نوزدهم منتشر می‌شده است. مولانا که از آن اسم برده توضیح بیشتری در اثر خود درباره آن نداده است و در کتابخانه مجلس نیز هیچ نمونه‌ای از این روزنامه وجود ندارد.

- شمس الاخبار

روزنامه «شمس الاخبار» را مولانا از جمله روزنامه‌های فارسی زبان اوایل قرن نوزدهم ذکر می‌کند که در هندوستان منتشر می‌شده است ولی درباره چگونگی آن هیچگونه اشاره و یا توضیحی دیگری نداده است و در کتابخانه مجلس نیز از آن نمونه‌ای یافت نمی‌شود.

- مهر منیر

مولانا در صفحهٔ چهل و سوم اثر خود، ضمن اشاره به روزنامه‌های فارسی زبان در هندوستان می‌نویسد: روزنامه‌های معروف دیگر فارسی اوایل قرن نوزدهم در هندوستان عبارت بودند از «شمس الاخبار»، «آئینه سکندری»، «سلطان الاخبار»، «مهر منیر» و «جام جمشید». وی به توضیح بیشتری درباره آن نپرداخته و همچنین صدرهاشمی نیز بدان هیچگونه اشاره‌ای نکرده است و ما نیز در کتابخانه مجلس به هیچ نسخه‌ای از آن دسترسی پیدا نکردیم.

هیجدهم، روزنامه‌های محلی در کشور هندوستان انتشار یابد. در میان اولین روزنامه‌های محلی هندوستان روزنامه‌یی بود به نام «اخبار» که در ۱۷۹۸ میلادی به زبان فارسی در دهلی منتشر شد^(۶). در کتابخانه مجلس، نمونه‌ای از این روزنامه که اولین روزنامه فارسی زبان محسوب می‌شود وجود ندارد و منابع فارسی نیز توضیح بیشتری درباره آن نداده‌اند.

- آئینه سکندری

روزنامه «آئینه سکندری» نیز در اوایل قرن نوزدهم به زبان فارسی در هندوستان منتشر می‌شده است. از این روزنامه هیچ نسخه‌ای در کتابخانه مجلس وجود ندارد و منابع فارسی نیز توضیح بیشتری درباره آن نداده‌اند و ما نیز به همین مختصر بالضروره اکتفا می‌کنیم.

- جام جمشید

روزنامه «جام جمشید» در شهر بمبئی هندوستان تأسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است. «ادوارد بیرون» چیز بیشتری درباره آن ذکر نکرده و مولانا نیز انتشار آن را اوایل قرن نوزدهم یادآور شده است. از این روزنامه هیچ نسخه‌ای در کتابخانه مجلس وجود ندارد. از آن جا که میان «برون» و «مولانا» درباره سال انتشار این روزنامه اختلاف نظر وجود دارد ما در اینجا نظر مولانا را ملاک قرار داده و به تنظیم مطالب پرداخته‌ایم.

کتابخانه

بود به نام «اخبار» که در ۱۷۹۸ میلادی به زبان فارسی در دهلی منتشر شد. ولی روزنامه مهم فارسی که اول بار در هندوستان شهرت پیدا کرد «مرآت الاخبار» بود که توسط «راموهان روی» از روشنفکران اصلاح طلب اهل بنگال به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ در کلکته انتشار یافت. وی که به کمک یک ساعت ساز انگلیسی در کلکته مدرسه‌یی با شیوه اروپایی تأسیس کرده بود، در روزنامه خود به توسعه و بسط امور مذهبی و اصلاحات عمومی پرداخت و عقاید غربی را بین خوانندگان خویش پخش می‌کرد (۷).
صدرهاشمی نیز به این «روزنامه» هیچگونه اشاره‌ای نکرده است و در کتابخانه مجلس هم نسخه‌ای از آن موجود نیست.

- کاغذ اخبار

اولین روزنامه فارسی در ایران که عنوان واسم رسمی نداشت ولی به نام «اخبار» یا «کاغذ اخبار» معروف بود در سال ۱۲۵۳ هجری قمری مطابق با ۱۸۷۳ میلادی به مدیریت و سردبیری «میرزا صالح شیرازی» در تهران منتشر شد.

مولانا می‌نویسد: این روزنامه که به خط نستعلیق نوشته و با چاپ سنگی طبع می‌شد - در دو صفحه روی کاغذی با قطع بزرگ که پشت آن سفید بود - ماهانه انتشار می‌یافت. شماره اول روزنامه که به تاریخ محرم ۱۲۵۳ (آوریل - مه ۱۸۳۷) در تهران به چاپ رسیده، هر صفحه آن در حدود ۲۴ سانتیمتر

- جام جهان نما

به عقیده صدرهاشمی روزنامه هفتگی «جام جهان نما» در شهر کلکته هندوستان تأسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است. لیکن مولانا در اثر خود زمان انتشار آن را ۱۶ مه ۱۸۲۲ ذکر کرده که به مدیریت یک هندی به نام «هوری هوردات» منتشر شده است و خبرنگاران مختلفی در استانهای هندوستان داشته و اخبار را از روزنامه‌های انگلیسی ترجمه می‌کرده است. چاپ آن به مدت پنجاه و چهار سال ادامه داشته و در ماه اوت ۱۸۷۶ متوقف شده است. از این روزنامه نیز در کتابخانه مجلس هیچ نمونه‌ای موجود نیست و با توجه به اختلاف نظر میان صدرهاشمی و مولانا درباره سال انتشار این روزنامه، ما نظر مولانا را ملاک قرار داده‌ایم.

- مرآت الاخبار

مولانا ضمن اشاره به اینکه در هندوستان صنعت چاپ در قرون هفدهم و هیجدهم رشد بیشتری نسبت به ایران پیدا کرده بود و زبان فارسی نیز زبان رسمی دربار و دولت به شمار می‌رفت. و همچنین طرز حکومت آن که نسبت به حکومت استبدادی سلسله قاجار جلوتر و اروپائی‌تر بود می‌نویسد: شرایط مذکور در هندوستان باعث شد در اواخر قرن هیجدهم روزنامه‌های محلی در این کشور انتشار یابد. در میان اولین روزنامه‌های محلی هندوستان روزنامه‌یی

عرض و ۴۰ سانتی متر طول دارد. دربالا و وسط صفحه اول آن علامت شیر و خورشید نقش شده است و در زیر علامت به خط درشت نوشته شده: «اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ که بدارالخلافة تهران انطباع یافته» بلافاصله زیر این جمله در صفحه اول، تیترو عنوان «اخبار ممالک شرقیه» و در بالای صفحه دوم، تیترو عنوان «اخبار ممالک غربیه» به خط درشت دیده می‌شود^(۸).

میرزا صالح شیرازی که جزو اولین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا بود پس از بازگشت به ایران ضمن آن که در تهران به امور دولتی و اداری اشتغال داشت با صوابدید محمدشاه و موافقت دولت، تصمیم به انتشار روزنامه گرفت. طلیعه و اعلامیه انتشار این روزنامه در یک صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳ در تهران منتشر شد و نسخه آن به تمام استانهای ایران و برای مقامات دولتی و رسمی ارسال گردید. در آغاز این اعلامیه دلیل و منظور انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» و حدود مندرجات آن به شرح ذیل ذکر شده است:

«اعلام نامه ایست که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکر می‌نماید بر رأی صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا بحسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار

شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد اما اخبار شرقیه عبارتست از عربستان و اناتولی و ارمن زمین و ایران و خوارزم و توران و سبیر و مغولستان و تسبت و چین و ماچین و هندوستان و سند و کابل و قندهار و گنچ و مکران و اخبار غربیه عبارتست از اخبار یروپ یا فرنگستان و افریقا و آمریکا یا ینگی دنیا و جزایر متعلقه به آنها مختصراً هرآن چه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود ماهی یکمرتبه در دارالطباعة ثبت و به همه ممالک انتشار خواهد شد...»^(۹)

مولانا می‌افزاید: با اینکه اولین روزنامه ایران که به سردبیری و مدیریت میرزا صالح منتشر شد اسم و عنوان خاصی نداشت که بالای روزنامه درج شود، از اعلامیه مذکور روشن است که به نام «کاغذ اخبار» معروف بوده است. درحقیقت باید متوجه بود که «کاغذ اخبار» ترجمه تحت‌اللفظی لغت انگلیسی (Newspaper) است که بعدها در ایران به روزنامه معروف شد. در اوایل سلسله قاجاریه و قبل از انتشار روزنامه در ایران، لغت روزنامه به یادداشتهای روزانه دولتی و اتفاقات روزانه امرا اطلاق می‌شد^(۱۰).

روزنامه ماهانه «کاغذ اخبار» چندین سال در تهران منتشر می‌شده است ولی به نظر مولانا، چون امروز بیش از سه نسخه مختلف از آن در دسترس نیست به طور یقین نمی‌توان گفت تا چه سالی این روزنامه به

کتابخانه

روزنامه ایران در واقع یک روزنامه دولتی و سخنگو و مداح حکومت وقت بوده است. از دیدگاه مولانا، نوشته‌ها و اخبار آن بسیار رسمی و خشک است و مقاله و تفسیرهای اجتماعی و ادبی ندارد و از جهت به روزنامه دیواری مدارس شبیه است. مندرجات آن کوتاه است و اخبار خارجی آن اغلب جز اطلاعات تاریخی و جغرافیایی چیز دیگری دربر ندارد. اخبار داخله روزنامه اغلب شامل اخبار تهران است و اخبار خارجه آن یا ترجمه اخبار روزنامه‌های اروپایی و یا اخباری است که توسط نامه به تهران رسیده. وی مندرجات سه شماره موجود از این روزنامه (البته در موزه بریتانیا موجود است) را تجزیه کرده و در جدولی به شرح زیر نشان داده است.

مولانا در اثر خویش، متن کامل اولین شماره «کاغذ اخبار» را درج نموده است که اولین خبر از صفحه اول آن روزنامه که مربوط به «اخبار ممالک شرقیه» است از این قرار است: «در دارالخلافه طهران، عالیجاه مقرب الخاقان خدادادخان از سفارت

انتشار خود ادامه می‌داده، ولی این اندازه روشن است که روزنامه «کاغذ اخبار» حداقل مدت سه سال یعنی تا سال ۱۸۴۰ در تهران چاپ می‌شده است.

«هوراتیو ساتیت»، یکی از اعضای گروه مذهبی «اپیسکوپول» پروتستان آمریکا که در سال ۱۸۴۰ در ایران بوده است در سفرنامه خود به انتشار «کاغذ اخبار» اشاره کرده و می‌نویسد: «... تنها امری که حکایت از پیشرفت در ایران می‌کند تأسیس روزنامه‌ایست که به سال ۱۸۳۷ در تهران تحت نظر شاه شروع به چاپ شده. این روزنامه به چاپ سنگی منتشر می‌شود و مقصود اصلی آن تبلیغ شاه و کارهای اوست با این وصف تأسیس این روزنامه یکی از قدم‌های مهم در پیشرفت ایران است و نتایج مهمی دربر خواهد داشت» (۱۱).

مندرجات مطبوعات هر زمان تاجدی آئینه فکر و نمونه محیط اجتماعی آن زمان است. روزنامه «کاغذ اخبار» و مندرجات آن نیز از شیوه بیان و طرز اندیشه دربار و دولت محمدشاه قاجار حکایت می‌کند. اولین

تجزیه مندرجات روزنامه کاغذ اخبار

(۱۸۳۷ میلادی - ۱۲۵۳ هجری)

شماره و تاریخ	تعداد اخبار داخلی و منبع آن	تعداد اخبار خارجی و منبع آن
(۱) محرم	۴ (تهران)	۸ (ایتالیا - آمریکا - انگلستان - ترکیه)
(۴) ربیع الثانی	۲ (تهران)	۴ (ترکیه - انگلستان - آلمان - مصر)
(۵) جمادی الاول	۵ (تهران - خراسان)	۵ (انگلستان - فرانسه - روسیه - ایتالیا - اسپانیا) (۱۲)

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ما به هیچ نسخه و نمونه‌ای از روزنامه «کاغذ اخبار» دست نیافتیم و در واقع باید گفت که در آن موجود نیست و صدرهاشمی نیز در اثر خود به نام «تاریخ جرائد و مجلات ایران» هیچگونه اشاره‌ای بدان نکرده است.

- چاپک

روزنامه «چاپک» به سال ۱۲۶۲ ه. ق برابر با ۱۸۴۵ میلادی در بمبئی هندوستان منتشر می‌شده است. از این روزنامه هیچ نسخه‌ای در کتابخانه مجلس موجود نیست و صدرهاشمی نیز درباره آن توضیح بیشتری نداده و مولانا نیز بدان اشاره‌ای نکرده است.

- لودیانه اخبار

روزنامه «لودیانه اخبار» به نظر «براون» در شهر کلکته هندوستان به طور هفتگی منتشر می‌شده و انتشار آن در سال ۱۲۶۲ قمری برابر با ۱۸۴۶ میلادی بوده است.^(۱۵) همچنین در مقدمه «روزنامه دولت علیّه ایران» که اخیراً توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران افست شده است ضمن اشاره به روزنامه‌های فارسی چاپ شده در خارج از ایران از این روزنامه نیز یاد شده که چنین است: «اولین روزنامه چاپ خارج از ایران با نام «جام جمشید» که روزنامه‌ای است هفتگی در شهر بمبئی به سال ۱۲۶۲ ق منتشر می‌شده است. دومین نشریه با عنوان «چاپک» نشریه به زبان فارسی در بمبئی به سال ۱۸۴۶/۱۲۶۲ و سومین و چهارمین و پنجمین نشریه با

اسلامبول معاودت نمود نامه از اعلیحضرت سلطان محمود به حضور اعلیحضرت شاهنشاهی آورد از آن جا که سفارت مشارالیه مستحسن رأی جهان‌آرای شهریارى افتاد بعد از تبلیغ نامه و عرض مراتب مأموریت خود خاطر مبارک از او خرسند گردید و پایه اعتبار عالیجاه مشارالیه به اعلی مدارج رسید و او را به وزارت خوی مفتخر و سرفراز فرمودند بنهجی که شاید و باید با ولایات سرحدیه دولتین علیتین سعی وجد و جهد بلیغ نماید که روز به روز این دوستی و یک جهتی تزیاید پذیرد و رشته اتحاد محکم گردد و امری که مورث نقار خاطر و غبار کدورت ضمیر اولیای دولتین است رفع سازد.»^(۱۳)

در اینجا بد نیست که به یک نمونه دیگر از مندرجات روزنامه «کاغذ اخبار» که مربوط به شماره ۵ یعنی جمادی‌الاول ۱۲۵۳ هجری قمری است و تحت عنوان «فرانسه» در قسمت «اخبار ممالک غربیه» آمده است توجه کنیم: «رودخانه عظیمی در آن ملک واقع است که عرضش سیصد زرع می‌باشد و از زنجیرهای قویه محکمه متصله برپهلوی هم پلی بر آن اختراع کرده‌اند که عرض آن که از اتصال زنجیرات کشیده بر روی رود حاصل و معبر عابرین گردیده هشت زرع و طولش به عرض رود سیصد زرع است بدان ارتفاع که جهازات از تحت آن پل گذرند به سهولت تا هم خلاق بری را به رویش محل عبور باشد و هم سفاین بحری را به زیرش ممر مرور و هذا من ابداع بدایع الامور.»^(۱۴)

کتابخانه

در تهران منتشر شده است. از این رو می توان نتیجه گرفت که دومین روزنامه منتشره در ایران روزنامه «زاراریت باهرا» بوده ولیکن چون به زبان فارسی منتشر نمی شد به عبارتی می توان دومین روزنامه فارسی زبان در ایران را روزنامه «وقایع اتفاقیه» دانست که درست چهارده سال پس از انتشار اولین روزنامه ایران به نام «کاغذ اخبار» منتشر شده اند.

از این روزنامه، هیچ نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود ندارد.

- وقایع اتفاقیه

صدارت امیرکبیر از جهت مطبوعات و روزنامه نگاری نیز سرفصل تاریخی مهمی در ایران به شمار می رود. اصلاحات وی در دو سال اول زمامداریش، اثری عمیق به جا گذاشت و محیط جدیدی برای بخش و ترویج نظریات و اخبار دولتی و ملی در تهران پدید آورد. در سال ۱۸۵۱ میلادی دو روزنامه در ایران تأسیس شد که اولین به نام «زاراریت باهرا» به زبان کلدانی بود و دومین به زبان فارسی و به طور رسمی به نام «وقایع اتفاقیه» که به دستور امیرکبیر و تحت نظر دولت در تهران منتشر شد.

مولانا در اثر خود در صفحه هفتاد و چهارم درباره روزنامه وقایع اتفاقیه چنین می نویسد: «سی و هفت روز بعد از انتشار «زاراریت باهرا» در رضائیه، به تاریخ ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری مطابق با ۷ فوریه

عناوین «سکندر، سلطان الاخبار، لودیانه اخبار» در کلکته و به سال ۱۸۴۶/۱۲۶۲ به صورت هفتگی و ششمین آن با نام «جام جهان نما» که آن هم هفتگی و در شهر کلکته به سال ۱۲۶۳، ... منتشر می شده است...»^(۱۶) ضروری است اشاره کنیم که در کتابخانه مجلس چنین روزنامه ای وجود ندارد و منابع فارسی نیز درباره این روزنامه توضیح بیشتری نداده اند. از این رو می بایست به همین مختصر اطلاعات درباره این روزنامه اکتفا کنیم و به ادامه مطلب و روزنامه ای دیگر بپردازیم.

- زاراریت باهرا

در سال ۱۸۵۱ میلادی، روزنامه ای به نام «زاراریت باهرا» یا «شعاع روشنایی» به زبان کلدانی (آسوری) توسط میسیون مسیحیان رضائیه در اول ژانویه سال مذکور برابر با ۲۷ صفر ۱۲۶۷ هـ ق انتشار یافته است.

به عقیده مولانا، روزنامه «زاراریت باهرا» ماهانه منتشر می شد و به آسوریان نواحی رضائیه و آذربایجان محدود بود و تحت نظارت مبشران مسیحی آمریکا در رضائیه اداره می شد و مندرجات آن مذهبی بود و مسائل سیاسی و اقتصادی در آن وجود نداشت. انتشار «زاراریت باهرا» به مدت شصت و سه سال (تا سال ۱۹۱۴ میلادی) در رضائیه ادامه داشت. به عقیده وی سی و هفت روز بعد از انتشار «زاراریت باهرا»، روزنامه «وقایع اتفاقیه» به دستور امیرکبیر

حسای اخبار خارجی و شهرستانها و انتصابات بود. حق اشتراک یا آبونه سالانه آن ۲۴ قران و قیمت تکفروشی دهشاهی بود. روزنامه «وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه‌یی بود که آگهی و اعلان بازرگانی در آن منتشر شد (در شماره چهارم مورخ ۷ رجب ۱۲۶۷) (۱۷).

روزنامه «وقایع اتفاقیه» که تحت نظر وزارت علوم اداره می‌شد به سردبیری «حاجی میرزا جبار تذکره‌چی» به انتشار خود ادامه داد. این روزنامه تا شماره ۴۵۶ (مورخ ۱۴ دسامبر ۱۸۵۹) مرتب و به طور هفتگی در تهران طبع و توزیع شد و تا شماره ۴۷۱ (مورخ اوت ۱۸۶۰) گاهگاهی در انتشار و توزیع آن بی‌نظمی دیده می‌شد. از شماره ۴۷۲ اسم روزنامه «وقایع اتفاقیه» به «روزنامه دولت علیه ایران» تبدیل شد که درباره این روزنامه در جای خود توضیح خواهیم داد.

بد نیست که در اینجا برای آشنایی با سبک نوشتار روزنامه «وقایع اتفاقیه» اخباری را که این روزنامه راجع به عزل و سپس قتل امیرکبیر منتشر ساخته بیاوریم و ببینیم که این روزنامه نسبت به بنیانگذار خود چگونه برخورد کرده است. این روزنامه در ۲۶ محرم سال ۱۲۶۸ درباره عزل «میرزاتقی خان امیرکبیر» در صفحه اول در شماره چهل و دوم خود چنین نوشته است:

«دارالخلافه طهران - سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی باقتضای رأی جهان‌آرای ملوکانه صلاح و

۱۸۵۹ میلادی، روزنامه، «وقایع اتفاقیه» به دستور و تحت نظر امیرکبیر در تهران منتشر شد. این روزنامه با چاپ سنگی در چهار صفحه به طور هفتگی از طرف دولت در تهران طبع و در تمام استانها و شهرهای بزرگ ایران منتشر می‌شد. در شماره اول روزنامه هدف انتشار «وقایع اتفاقیه» به تفصیل ذکر شده است و خاطرنشان شده منظور اصلی روزنامه این است که اهالی ایران را به اخبار داخلی و خارجی آشنا کند و مردم را از انتصابات و امور دولتی باخبر سازد. همچنین ذکر شده است یکی از هدفهای روزنامه این خواهد بود که اهالی ایران را به اخبار صحیح مملکتی آشنا و از گمراهی و تردید ملت جلوگیری کند.

شماره اول این روزنامه عنوان «یا اسدالله الغالب» را داشت ولی از شماره دوم «وقایع اتفاقیه» جای آن را گرفت و به این اسم معروف شد. در بالای صفحه اول، علامت شیر و خورشید ایران قرار دارد و از این جهت «وقایع اتفاقیه» شبیه روزنامه «کاغذ اخبار» است و علامت شیر و خورشید در هر دو روزنامه از دولتی و رسمی بودن آنها حکایت می‌کند. «وقایع اتفاقیه» تا شماره ۱۶ به طور هفتگی هر جمعه منتشر می‌شد ولی از شماره ۱۷ روز انتشار هفتگی آن به پنجشنبه تبدیل گردید.

«وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه هفتگی در ایران بود که به طور منظم در چهار صفحه و گاهی در شش یا هشت صفحه منتشر می‌شد. صفحه اول آن اغلب به اخبار داخلی درباره اختصاص داشت و صفحات داخلی

صرفه مملکت و دولت و خیر و ثواب امور سلطنت را در این معنی ملاحظه فرمودند که میرزا تقی خان را از پیشکاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امارت نظام و لقب اتابکی و غیرذلک و کل اشتغال و مناصبی که باو محول بود بکلی خلع و معزول فرمایند لهذا در روز چهارشنبه بیست و پنجم این ماه حکم از مصدر سلطنت عظمی به همین صراحت به شرف صدور و نفاذ یافت و او برحسب امر قدر قدرت همایون از تمامی امور و مشاغل معزول و مسلوب الاختیار گردید و...»

قتل امیرکبیر به طوری که در کتب تاریخی ثبت شده ۱۸ ربیع الاول ۱۲۶۸ رخ داده است لیکن روزنامه «وقایع اتفاقیه» در شماره پنجاهم خود به تاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۸ یعنی پنج روز پس از مرگ امیر هیچ گونه اشاره‌ای بدان نکرده است و تنها با نهایت بی‌احترامی خبر «بیماری» او را درج کرده است. در صفحه اول دز سومین خبر از همین شماره چنین آمده است: «سابقاً نوکر و رعیت ایران به واسطه سوء خلق و بد زبانی و بیحرمتی میرزا تقی خان در کمال دلسردی راه می‌رفتند و چون بقدر امکان از حق نوکر کم میکرد و به طرق بدعت بر رعیت می‌افزود نزدیک به آن شده بود که اهل ایران از دولت خود مأیوس شوند و کار به جانی رسیده بود که اگر اعلیحضرت پادشاهی در ماده کسی بذل مرحمتی می‌فرمودند میرزا تقی خان بتدریج

برای آن شخص بهانه‌جویی میکرد و در مقام آزار او برمی‌آمد اما از روزی که اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی به اقتضای مصلحت و حکمت دولت و ملاحظه حال نوکر و رعیت جناب جلالت مآب قوام‌الله و له اسنیه نظاما بشوکه‌البهیه اعتمادالدوله العلیه صدراعظم را بانتظام مهام دولت مأمور فرموده‌اند جمیع نوکر و رعیت از حسن سلوک و رفتار ایشان راضی و خشنود هستند و اعیان و اشراف درخانه و ولایات ایران نفر بنفر دسته دسته در کمال امیدواری و خوشحالی بحضور همایون پادشاهی می‌روند و بهر که بذل مرحمتی از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی می‌شود جناب جلالت مآب صدراعظم ده برابر آن به آن شخص لطف و مهربانی میکنند و مردم را همه به خدمت پادشاه ترغیب میکنند و خدمت و قابلیت مردم را در پیشگاه حضور اقدس همایون پادشاهی تعریف و توصیف مینمایند. بلافاصله پس از این خبر، خبر دیگر بدینگونه است که منظور نظر اصلی ماست: «کسانی که با میرزا تقی خان حساب و معامله داشتند بجهت تفریح حساب خودشان به اجازه و نوشته مرخصی اولیای دولت علیه روانه فین شده بودند از قراری که آن آدمها مذکور داشتند و خود میرزا تقی خان هم کاغذ به خط خودش نوشته بود این روزها بشدت ناخوش است غلامی از غلامان عالیجاه جلیل خان یوزباشی هم که شب یکشنبه نوزدهم اینماه از فین وارد

دارالخلافه شد [یک روز پس از مرگ امیر] مذکور داشت که احوال خوشی ندارد [!]. صورت و پایش تا زانو ورم کرده است موافق این اخبار چنان معلوم می‌شود که خیلی ناخوش باشد و می‌گویند از زیادی جبن و احتیاطی که دارد قبول مداوا هم نمی‌کند و هیچ طیبی را بر خود راه نمی‌دهد».

این روزنامه سپس در شماره ۵۲ خود که مدتی از مرگ نابهنگام امیر گذشته بود تنها یک جمله به صورت یک خبر کوتاه در انتهای صفحه اول اینگونه نوشته است: «میرزا تقی خان که سابقاً امیر نظام و شخص اول این دولت بود شب شنبه هیجدهم ماه ربیع‌الاول در کاشان وفات یافته است» و این خود از یک سو نشانگر تناقض با خبری است که پیش از این از همین روزنامه نقل کردیم و از سوی دیگر اوج قساوت و بی‌رحمی و پلیدی کسانی است که آن را به رشته تحریر درآورده‌اند و اینگونه با آن برخورد کرده‌اند. به هر حال سندی است از روزنامه‌نگاری و مطبوعات این مرزوبوم.

همینقدر اشاره کنیم که از روزنامه «وقایع اتفاقیه» از شماره ۱۷۵-۴ و ۲۱۵-۱۶۴ و از شماره ۴۹۶-۲۶۱ و همچنین از شماره ۳۷۱-۳۷۲ یعنی آخرین شماره روزنامه مذکور در مجلدهای جداگانه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی جهت استفاده محققین، مورخین و علاقه‌مندان به مطبوعات و اسناد تاریخی گذشته موجود است.

- اخبار دارالسلطنه آذربایجان

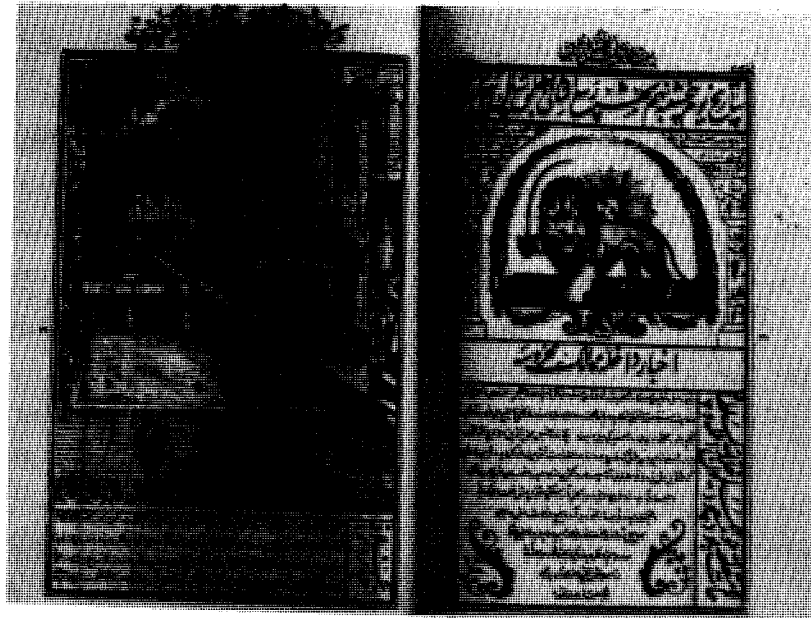
صدرهاشمی درباره این روزنامه می‌نویسد که به نامهای مختلف از جمله «اخبار دارالسلطنه آذربایجان»، «روزنامه وقایع شهر مملکت محروسه آذربایجان» و «روزنامه ملتی مملکت آذربایجان» منتشر می‌شده است ولی چون نسخه‌ای از آن تاکنون به دست نیامده به طور تحقیق نمی‌توان نامی برای آن معین کرد. او اضافه می‌کند که محل انتشار آن تبریز بوده و با چاپ سنگی طبع می‌شده است و بنا بر نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه به تاریخ ۱۳ رجب ۱۲۷۵ قمری، تأسیس آن اوایل سال ۱۲۷۵ بوده است که مطابق با ۱۸۵۸ میلادی است.

در یکی دیگر از منابع فارسی درباره این روزنامه چنین آمده است: «یحیی آریانپور از آن بنام «روزنامه ملتی» نام می‌برد که خبری از آن در روزنامه وقایع اتفاقیه درج است در این روزها حکم شده است که در تبریز روزنامه‌ای طبع شود که اطلاعات آذربایجان و غیره در آن نوشته شود. این روزنامه هر ماه یک شماره طبع و محل توزیع آن کاروانسرای امیر، حجره حاجی عبدالله تاجر تبریزی بوده است».^(۱۸)

از روزنامه «اخبار دارالسلطنه آذربایجان» هیچ نمونه‌ای در کتابخانه مجلس وجود ندارد.

- تبریز

روزنامه «تبریز» در سال ۱۲۹۶ قمری از طرف دولت، به دستور مظفرالدین شاه که



شماره ۴۷۲ به «روزنامه دولت علیّه ایران» تبدیل شده و به صورت مصور در تهران انتشار یافته است و مدیریت آن به ابوالحسن خان نقاشباشی غفاری واگذار شد که بعداً ملقب به صنیع‌الملک شد. او مندرجات رسمی و دولتی «روزنامه دولت علیّه ایران» را چندان عوض نکرد و برای ده سال یعنی از ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ این روزنامه که درحقیقت ادامه «وقایع اتفاقیه» بود انتشار یافت و در این سال آخرین شماره آن به نمره ۶۶۸ منتشر شد.

در مقدمه‌ای که بر «روزنامه دولت علیّه ایران»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نوشته و آن را منتشر ساخته درباره این روزنامه چنین نوشته است: «روزنامه دولت علیّه در ۵ صفر ۱۲۷۷ جایگزین روزنامه

دران وقت و بیعهد ایران بوده است در شهر تبریز تأسیس و منتشر شده است. صدرهاشمی به نقل از «تربیت» درباره آن چنین می‌نویسد: «روزنامه نیم ماهه منتشر در تبریز به مدیریت شخصی مسمی به «کمال» در ۱۲۹۶. شماره سوم سال اول ۲۵ محرم ۱۲۹۷ و شماره ۲۵ سال سوم مورخ ۲۸ شعبان ۱۲۹۹ از این روزنامه دارم.» متأسفانه هیچ نسخه‌ای از این روزنامه در کتابخانه مجلس وجود ندارد و منابع فارسی نیز درباره آن توضیح بیشتری نداده‌اند.

– دولت علیّه ایران

مولانا درباره این روزنامه یادآور شده است که اسم روزنامه «وقایع اتفاقیه» از

روزنامه دولت علیه ایران و دولتی از نظر مطالب به چهاربخش تقسیم می‌شد: ۱- اخبار درباری و سلطنتی به همراه اخبار مربوط به وزارتخانه‌ها، عطایا و خلعت‌ها و... ۲- اخبار دارالخلافه (پایتخت) ۳- اخبار ولایات ایران ۴- اخبار ممالک خارجه» (۱۹).

«روزنامه دولت علیه ایران» که توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و با عنوان فرعی «جلد نخست ۵۵۰-۴۷۲» اخیراً انتشار یافته در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

- روزنامه علمیه دولت علیه ایران

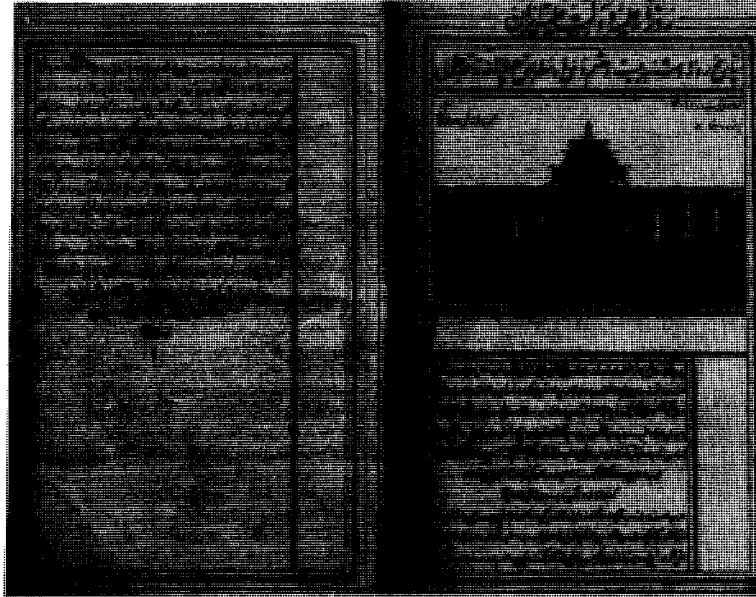
شماره اول «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» در تاریخ اول شعبان ۱۲۸۰ هـ ق برابر با یازدهم ژانویه ۱۸۶۴ میلادی منتشر شده است. این روزنامه معمولاً در شش صفحه و بعضی از شماره‌ها تا ۱۷ صفحه نیز صفحاتش بالغ می‌شده است. این روزنامه ماهانه با چاپ سنگی در دارالخلافه تهران به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه منتشر می‌شده است که محتوای مطالب سه زبان تفاوتی با یکدیگر نداشته است. در روزنامه علمیه نامی از مدیر و نویسنده و مؤسس آن نیست و در عنوان آن قیمت پانزده شاهی ذکر شده است. از آنجا که این روزنامه مانند روزنامه‌های دیگر دولتی در دارالفنون منتشر می‌شده است در این زمان باید تحت اداره عیقلی میرزای اعتضادالسلطنه بوده باشد. این روزنامه همراه با تصویر است و در شروع شماره اول آن چنین آمده است:

وقایع اتفاقیه شد و مدیریت روزنامه به «میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک» - پسرعموی کمال‌الملک - سپرده شد. روزنامه مذکور تا شماره ۵۹۱ سال ۱۲۸۳ انتشار یافت. روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه‌ای مصور بود که از نظر هنر، این روزنامه از نفائس عهد ناصری است و نخستین منبعی است که تصاویر دولتمردان عهد ناصری را در آن می‌توان یافت. در سال ۱۲۸۳ میل ناصری بر این قرار گرفت که همانند اروپائیان روزنامه‌های متعددی را داشته باشد. بنابراین دستور انتشار ۴ روزنامه را صادر کرد... این روزنامه‌ها به قرار ذیل است:

۱- همان روزنامه دولت علیه ایران با عنوان «روزنامه دولتی مصور» ۲- روزنامه دولتی - که بدون تصویر بود ۳- روزنامه ملتی یا ملت سنیه ایران ۴- روزنامه علمی یا روزنامه علمیه دولت علیه ایران.

روزنامه دولتی از روز پنجشنبه سوم جمادی‌الاول ۱۲۸۳ ق منتشر شده، معلوم نیست به چه دلیل شماره اول آن با نمره (۵۹۳) انتشار یافته. حتی اگر قرار بود که دنباله روزنامه دولت علیه ایران باشد باید شماره (۵۹۲) را دربر داشته باشد به هر صورت این روزنامه تا شماره ۶۵۰ به تاریخ پنجشنبه ۱۰ ذی‌الحجه ۱۲۸۷ منتشر و پس از آن تعطیل شده است قیمت این روزنامه‌ها نخست پانزده شاهی بود که از شماره ۵۹۵ به بعد همراه (روزنامه علمی، ملتی) سه تومان و شش هزار دینار شده است.

کتابخانه



را از آن فایده و بهره کلی حاصل شود» از این مختصر، محتوا و مطالب روزنامه «علمیه» مشخص می‌شود. باید اضافه کنیم که از این روزنامه از شماره ۱ تا ۱۴ و سپس به طور ناقص تا شماره ۴۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

- دولتی

مولانا درباره آن می‌نویسد که در سپتامبر ۱۸۶۶ روزنامه به نام «روزنامه دولتی» که در واقع نشریه هفتگی «روزنامه دولت علیه ایران» بود از طبع بیرون آمد. مندرجات این روزنامه اغلب ترجمه اخبار خارجی بود و گاهگاهی امور دولت و دربار هم در آن ذکر می‌شد. (۲۰)

برای اصلاح بیشتر به «روزنامه دولت

» چون منظور نظر کیمیا اتر اعلیحضرت قدر قدرت اقدس ظل‌اللهی ولینعمت کل ممالک محروسه ایران تربیت و ترقی ملت و دولتست و رواج علم و صنعت بسیاری از علوم و صنایع که در ازمئه سالفه در ایران بوده و سایر دول آن را تحصیل و تکمیل کردند یا علم و صنعتی که در این دولت ابد مدت از دول خارجه به ایران نقل و تحویل شده با سایر اخبار مفیده جدیده چنانکه باید بر مردم آشکار نیست برای استحضار عموم خلاق و انتشار علوم که فواید بزرگ بر او مترتب است از جانب سنی‌الجوانب شاهنشاهی حکم محکم قدر توام باعضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع صادر گشت که روزنامه علمیه در هر ماهی یکمرتبه سمت انطباع یابد تا مطالعه کنندگان

علیه ایران» در همین نوشتار رجوع شود.

- ملتی

روزنامه «ملتی» در تهران با چاپ سنگی در تحت اداره «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه» تأسیس و به طور ماهیانه در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۸۶۶ برابر با ۱۵ محرم ۱۲۸۳ قمری منتشر شده است. دستور انتشار این روزنامه و همچنین «روزنامه علمیه» و «دولتی» به وسیله ناصرالدین شاه صادر شده و «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه» وزیر علوم وقت مأمور تأسیس و انتشار این روزنامه‌ها شده است.

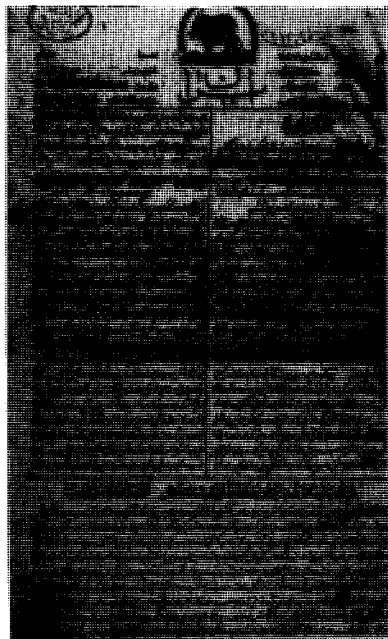
صدرهاشمی می‌گوید که اولین شماره این روزنامه با نام «ملت سنیه ایران» انتشار یافته و بعد منقطع گردیده و پس از دوماه باز با همان عنوان در تاریخ جمعه چهاردهم ربیع‌الاول ۱۲۸۳ قمری منتشر شده و از شماره سوم به اسم «روزنامه ملتی» موسوم شده و جمعاً از این روزنامه به غیر از شماره اول، ۳۴ شماره منتشر شده و آخرین شماره آن به تاریخ جمعه بیستم جمادی‌الآخر ۱۲۸۷ بوده است.

قیمت سالیانه روزنامه ملتی به انضمام روزنامه «دولتی» و «علمی» سه تومان و شش هزار دینار بوده و در مطبعه سنگی «دارالخلافه ناصر» در کارخانه دارالانطباق دولتی در مدرسه مبارکه دارالفنون» طبع شده است. عده صفحات این روزنامه از ۵ تا ۷ صفحه متغیر بوده و سرلوحه روزنامه عبارت از دورنمای «مسجد شاه» تهران است که در زیر آن «مسجد شاه» نوشته شده است.

صدرهاشمی می‌نویسد که در نمره اول این روزنامه، این عبارت به خط نستعلیق ریز در زیر سرلوحه نوشته شده است: «از جانب سنی‌الجوانب همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه امر و مقرر است که روزنامه ملتی بر سبیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از فواید آن بهره‌مند یابند».

مندرجات این روزنامه اغلب مربوط به شرح حال شعرای قدیم و برخی مقالات تاریخی و آگاهی مختصری نیز از وقایع دربار است. در شماره ۱۴ این روزنامه که به تاریخ بیست و پنجم رجب ۱۲۸۴ هجری بدون ذکر تاریخ به میلادی نشر یافته است، قیمت آن پانزده شاهی قید شده و تمام مطالب آن به خط نستعلیق است. در هر شماره از این روزنامه معمولاً به یک موضوع یا شخص خاصی پرداخته می‌شده است. مثلاً شماره ۲۶ آن به «مسعود سعد سلمان» اختصاص یافته است.

از روزنامه ملتی از شماره ۱۴ تا ۲۶ در «مجموعه ۹۳» کتابخانه مجلس شورای اسلامی به طور نامرتب برخی از شماره‌های آن موجود است. همچنین مولانا اشاره می‌کند که «میرزا فتح علی آخوندزاده» جزوه‌ای راجع به روزنامه «ملتی» در سال ۱۸۶۶ نوشته است که در کتابخانه دانشکده «معقول و منقول» تهران محفوظ است و به علاوه باید گوئیم که صدر هاشمی نیز فهرست ۳۴ شماره روزنامه «ملتی» را در کتاب خویش به طور کامل ذکر کرده است.



سخن‌خصوص وزارت‌خانه‌ها چاپ می‌شده است. این روزنامه با چاپ سنگی انتشار می‌یافته و طرز نگارش اخبار و مقالات آن درمقایسه با روزنامه‌های قبلی تاحدی ساده‌تر و خواناتر بوده و اخبار مربوط به حوادث و اتفاقات شهری و محلی در آن افزایش یافته است.

محمدحسن خان صنیع‌الدوله پس از اینکه به وزارت مطبوعات منصوب شده است به جای روزنامه‌های «علمیه»، «دولت ایران» و «ملت سنیه» یک روزنامه به نام «ایران» که سه روز در هفته منتشر می‌شده، منتشر ساخت که شماره اول آن به تاریخ یکشنبه ۱۱ محرم ۱۲۸۸ قمری بوده است. شماره هفتم آن که به تاریخ دوشنبه سوم

- حکیم‌الممالک

«میرزا علی‌نقی حکیم‌الممالک» که پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بوده است در یکی از سفرهای داخلی شاه مأمور می‌شود که از جریان مسافرت او و درباریان یادداشت بردارد و یک روزنامه موقتی و خصوصی جهت تبلیغ و انتشار فعالیت‌های شخصی شاه منتشر کند بدین ترتیب در مسافرت شاه به خراسان که به سال ۱۸۶۹ انجام گرفت «روزنامه حکیم‌الممالک» برای چند ماه منتشر شد. مولانا به نقل از «برون» می‌نویسد که قسمت عمده مندرجات این روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه نوشته شده و با امضاء حکیم‌الممالک به چاپ می‌رسیده است.

در کتابخانه مجلس ما به چنین روزنامه‌ای دسترسی نیافتیم و احتمال آنکه وجود داشته باشد خیلی کم است.

- ایران

روزنامه «ایران» با توجه به آنچه که در «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» اثر مولانا آمده است اولین شماره آن در سال ۱۸۷۱ میلادی در چهار صفحه منتشر شده است و به صورت ارگان رسمی حکومت، اخبار دولتی و خارجی را منتشر می‌کرده است و مندرجات روزنامه اغلب، تقدیر و تجلیل از شاه و درباریان بوده و صفحه اول آن اغلب به شکار شاه و مراسم سلطنتی و امثال آن اختصاص داشته و اخبار دولتی در ستون‌های



مندرج خواهد بود مسئولیت این خانزاد دولت جاوید در اخبار رسمی داخله و خارجه است که در این اخبار اگر مطلبی برخلاف واقع نوشته طبع شود این خانزاد باید مواخذه بشود... اما از اخبار غیررسمی که هرکسی آزاد است هرچه می خواهد بنویسد روزنامه ابداً مسئولیتی ندارد اخبار غیررسمی چنانکه در سایر دول آزاد است در این روزنامه آزاد خواهد بود نهایت سعی و اهتمام به عمل خواهد آمد که الفاظ و عبارات اخبار وارده که مندرج میشود از دایره ادب خارج نباشد و تدبیری اخذ شده است که از ولایات اخبارنویس صادق و با تدین وقوعات واقعه را بروزنامه بنویسد که به جهت اطلاع عمومی درج و اعلان شود و امضای اخبارنویس در روزنامه درج نمی گردد مگر در صورتی که لزوم به هم برساند این اعلان در ابتدا منتشر می شود که من بعد مورد ایرادی نباشد. محمد حسن»

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه تا شماره ۸۷۷ به تاریخ ۱۸ شوال ۱۳۱۳ مدیر آن بوده و پس از فوت وی، مدیری روزنامه مذکور به «محمدباقرخان ادیب الممالک» واگذار شده است.

از روزنامه ایران به صورت نامرتب تا شماره ۷۴ در یک جلد، و از رجب ۱۲۸۸ الی رمضان ۱۲۸۹ از شماره ۱۳۱ - ۴۱ در جلدی دیگر و از ذیحجه ۱۲۸۸ الی ذی القعدة ۱۲۹۰ از شماره ۲۰۰ - ۷۸ و از محرم ۱۳۱۰ الی رجب ۱۳۱۹ از شماره ۱۰۰۳ - ۷۸۸ در مجلدات دیگر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.

صفر ۱۲۸۸ منتشر شده، قیمت آن به طور سالیانه این گونه ذکر شده است: قیمت سالیانه، سه تومان و شش هزار و قیمت اعلان هرسطری یک هزار دینار. این روزنامه در چهار صفحه و به خط نستعلیق و در ارک همایون منتشر می شده است.

شماره ۲ این روزنامه که به تاریخ پنجشنبه پانزدهم محرم الحرام ۱۲۸۸ انتشار یافته در اولین مطلب آن که با عنوان «اخبار رسمی داخله» منتشر شده است چنین می خوانیم: «دربار همایون - این اوقات که ایام عاشورا و تعزیه داری حضرت سیدالشهدا صلوات الله علیه بود سرکار اقدس شاهنشاهی غالب ایام بتکیه دولت تشریف فرما گشته و بلوزم [بلزوم] تعزیه داری می برداختند در روز هفتم محرم به قاعده مستمره سنواتی حضرت اقدس همایون شهریاری به هریک از ذاکرین و خدام تعزیت سرای همایونی و تکیه دولت انعام و الثنات مبذول و عنایت فرمودند...»

ما به شماره اول روزنامه «ایران» دسترسی نیافتیم لیکن صدرهاشمی به این نکته اشاره می کند که در این شماره درستون اول شرحی به امضای «محمدحسن» تحت عنوان «اعلان» آمده است که بخشی از آن را به نقل از وی می آوریم: «... اسم روزنامه برحسب اراده علیه ملوکانه تغییر کرد روزنامه دولتی و علمی و ملتی که سابق بود مبدل بیک روزنامه شد موسوم به ایران که در او من بعد اخبار رسمی داخله وهم اخبارات رسمی و غیررسمی خارجه و مسائل علمیه و اعلانات تجارتنی و غیره

کتابخانه

- مرآت السفر و مشکوة الحضر

روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» از جمله روزنامه‌هایی بود که در دربار ناصرالدین شاه هرموقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات را می‌گرفته است به طور فصلی منتشر می‌شد که امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می‌ساخت. بنابراین در سال ۱۸۷۱ و در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» به مدیریت محمدحسن خان صنیع‌الدوله که بعداً به «اعتمادالسلطنه» ملقب شد، منتشر شد.

صدرهاشمی، زمان دقیق انتشار آن را ربیع‌الاول سال ۱۲۸۸ قمری اشاره می‌کند و اضافه می‌کند که جمعاً سیزده شماره از آن منتشر شده است. او می‌گوید که روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» تا سال ۱۳۰۰ قمری به همین نام و از آن پس با نام «اردوی همایونی» انتشار یافته است.

ما در میان «مجموعه»های کتابخانه مجلس به شماره‌های ۱۱، ۵، ۴ و ۱۲ این روزنامه دسترسی یافتیم ولی این روزنامه به طور مستقل و در مجلد جداگانه در کتابخانه وجود ندارد.

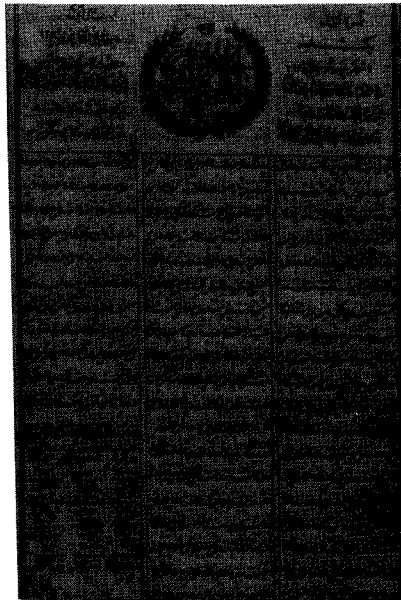
شماره چهارم روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» که به تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۸۸ منتشر شده است شرح سفرهای ناصرالدین شاه به شمیران و حوالی آن را دربر دارد، درابتدای آن چنین می‌خوانیم: «اردوی

همایون - جمعه سیزدهم صبح موبک همایون بتوچال تشریف فرما شد درکنار دریاچه توچال صرف ناهار فرمودند از وزارت جنگ بعضی عرایض به خاطر مبارک رسید پس از آن به شکارگاه مرچکنو که یکی از شکارگاههای البرز است تشریف فرما شدند شکارها رم خورده فرار کرده بودند به قلّه توچال که...»

شماره مذکور از این روزنامه در دو صفحه منتشر شده و در صفحه دوم آن نیز مطلبی تحت عنوان «بقیه شرح حال روبن سون» آمده است. و در پایان صفحه دوم امضای «محمدحسن، رئیس کل دارالطباعة» مشاهده می‌شود. شماره ۵ و ۱۲ بسیار شبیه به شماره چهارم است ولی در شماره ۱۱ شرح حال «روبن سون» نیامده و تمام مطالب روزنامه به شرح سفرها و خطرهایی که شاه برخورد کرده است اختصاص دارد.

- فارس (الفارس)

روزنامه «فارس» به مدیری «میرزاتقی کاشانی حکیم باشی» به صورت هفتگی و گاه ده روز یکبار در شیراز منتشر شده است. شماره اول آن در تاریخ یکشنبه ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۲۸۹ هـ- ق برابر با ۲۵ اوت ۱۸۷۲ میلادی طبع شده است. قیمت آن به طور سالیانه ۳ تومان ذکر شده که در دو قسط قابل پرداخت بوده است. هنگام دریافت و قبول اخبار نیز در صفحه اول این روزنامه از ظهر تا دو ساعت مانده به غروب



ذیقعدة ۱۲۸۹ هـ ق برابر با ۱۲ ماه ژانویه ۱۸۷۳ میلادی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

- اختر

روزنامه «اختر» که از شماره ۲ از سال ششم به بعد در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است به مدیریت «محمد طاهر تبریزی» و به نویسندگی «میرزامهدی اختر» به طور هفتگی در شهر استانبول و مدتی نیز به طور روزانه و چندی نیز در هفته دوبار منتشر می شده است. شماره ۲ از سال ششم به تاریخ روز جمعه ۱۲ محرم ۱۲۹۷ برابر با ۲۶ دسامبر ۱۸۷۹ انتشار یافته و قیمت آن بدین گونه ذکر شده است: در ممالک اسلامبول ۳ مجیدی سیم؛ در ممالک محروسه ایران ۲۵ قران؛ در ممالک اروپا

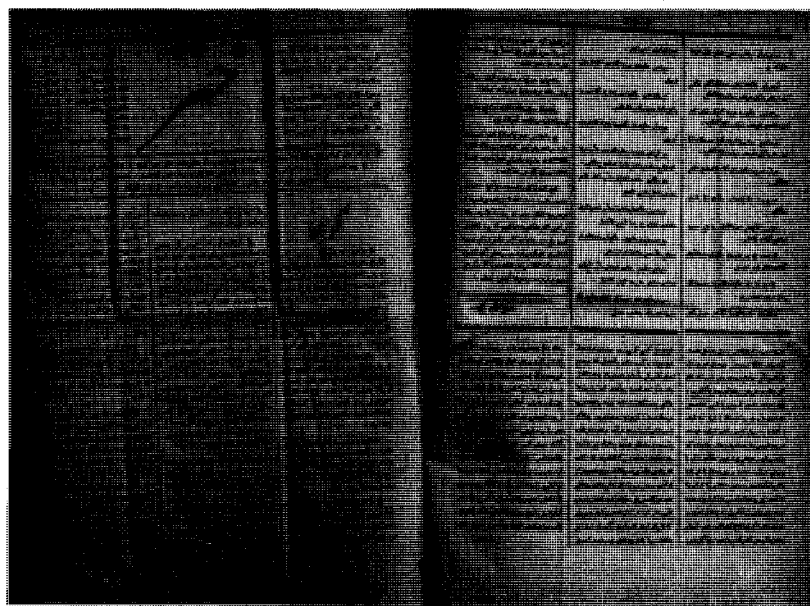
آفتاب ذکر شده است.

این روزنامه دارای «اعلان» بوده و قیمت آن نیز سطری یکهزار قید شده است.

شماره اول آن در پنج صفحه که دو صفحه از آن به زبان فارسی و سه صفحه دیگر به زبان عربی منتشر شده و هدف از آن بیشتر انتشار اخبار مربوط به ناحیه فارس بوده است.

در صفحه اول از شماره اول، این روزنامه، پس از شرح فواید و آثار انتشار روزنامه به مقایسه انتشار روزنامه در ایران با روزنامه‌هایی که در کشورهای اروپایی منتشر می شود پرداخته است که بخشی از آن چنین است: «... وعده روزنامه‌های خود را قریب به روزی شش هزار رسانیده‌اند و این شیوه پسندیده را بهترین اسباب بصیرت عامه و نیکوترین راه ترغیب و دعوت به سوی مدنیت دانسته‌اند پس بر هم‌وطنان ما لازم است که این رسم نیکو را که مبنی بر مصالح معظم است لغو و بیهوده نپندارند و حتی المقدور در ترویج روزنامه‌هایی که مشتمل بر اخبار مفیده و مطالب معظمه و علوم بدیعه است کوشش نمایند تا بتدریج ملت ما چون روزگار نیاکان خود رشک تمام ملل و غیرت سایر دول گردد و متزایداً بر تکمیل صنایع و علوم تجارت و فلاح و آبادی مملکت و آسایش و رفاهیت و نظم و مکنت و قدرت عامه و خاصه بیفزاید...»

از شماره چهارم، این روزنامه در چهار صفحه منتشر و صفحات عربی آن حذف شده است. از شماره اول تا شماره ۲۰ این روزنامه، مربوط به تاریخ یکشنبه ۱۲



به طوریکه از شماره‌های موجود «اختر» بر می‌آید در ۸ صفحه و به قطع رحلی و به چاپ سنگی منتشر می‌شده است. در شماره ۲ از سال ۶، روزنامه اختر در صفحه اول خود خبری را درج کرده که حاکی از آن است که حکومت عسکری انگلیس در کابل از جانب «جنرال روبرتس» تعدادی را به بهانه شورش و شرکت در قتل هیئت سفارت انگلیس به قتل رسانده است. سپس در صفحه دوم خود، این روزنامه در ارتباط با همین خبر و روابط بین انگلستان و اوضاع افغانستان مطلبی آورده است که در حقیقت تفسیری بر این خبر می‌باشد که قسمتی از آن چنین است و بدینگونه شروع می‌شود:

۲۵ فرانک و یک نسخه آن ۶۰ پاره است که «اجرت پوست همه جا بعهده اداره است.» عنوان «اختر» در بالا و وسط صفحه آمده است و در زیر آن در سه سطر، هدف و روش انتشار آن ذکر شده که چنین است. این نامه از هرگونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می‌گوید هفته یکبار طبع می‌شود اوراق و نوشتجات سودمند را بامتنان می‌پذیرد در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است کاغذی را که نوشته نمی‌شود صاحبش نباید استرداد بکند کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد.»

«از پاره رفتار بی اعتدال حکومت
عسکری انگلیس در افغانستان چنین
استنباط می شود که کلمه مدنیت و انسانیت
از جمله الفاظی است که بخصوص برای
استعمال کردن و اجرا نمودن تفرعات فعلی
آنها در اروپ وضع شده است و در خارج
از اروپ اجرا نمودن آنها لازم نیست
چنانکه انگلیسها در خاک افغانستان که در
خارج اروپ و مشرق زمین است و پیوسته
اهالی آنسامان را دور از عوالم مدنیت و
بوحشیگری نسبت میدهند از خودشان
بالتر از اهالی آن صفحات وحشیگری به
ظهور میرسد زیرا از داراویختن رئیس
روحانی یک ملت و قومی بجرم اینکه چرا
برای مقابله و دفع دشمنی که برای ضبط
وطن آنها میآید مسلح شده یا دیگران را نیز
تشویق کرده است از رفتار دولت انگلیس که
خود را مدنی و انسانی میدانند خیلی دور
است زیرا هر وطن پروری را لازم است که
از برای دفع دشمن وطن عزیز خود هر نوع
اقدامات را بکار ببرد گذشته از آن هرگاه
رئیس مشارالیه بالفرض در فقره قتل هیئت
سفارت انگلیس نیز مداخلت داشته باشد باز
مجازات آنگونه اشخاص قتل و صلب
نیست از دولت روس که بقول انگلیسهای
مدنی کامل نیم مدنی است تاکنون اینگونه
رفتارهای ناملائم درباره علما و بزرگان
قومی دیده و شنیده نشده است.

این است اگر شیوه اهل مدنیت

صدبار به است از مدنیت بدویت

صدرهاشمی انتشار شماره اول این

روزنامه را روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۱

قمری ذکر می کند که برابر با ۱۸۷۵ میلادی
می شود او می گوید که این روزنامه به مدت
۲۳ سال مرتباً انتشار یافته و دائر بوده است
و در سال ۱۳۱۳ قمری از طرف دولت
عثمانی توقیف شده است. وی همچنین به
نقل از «براون» درباره اهمیت این روزنامه
چنین می نویسد: در سنه ۸ - ۱۸۸۷ نیز که
من در ایران سفر میکردم تنها جریده قابل
مطالعه زبان فارسی همان اختر بود که هفته
یکبار در اسلامبول چاپ میشد در حقیقت
در دوران تیره و تار استبداد روزنامه اختر
کمک بزرگی بتنویر افکار ایرانیان نموده و
در ایامیکه جراید این مملکت منحصر بچند
روزنامه درباری از قبیل «ایران» و «اطلاع»
بوده روزنامه «اختر» به قول «ادوارد براون»
جریده قابل مطالعه زبان فارسی بشمار
می رفته است بخصوص اخبار تلگرافی
کشورهای خارجی که در این روزنامه درج
شده برای آشنایی مردم باوضاع دنیای خارج
کمکهای مفید و بزرگی نموده است تردیدی
نیست که وجود همین جراید افکار مردم آن
زمان را مهیای انقلاب نمود و پیدایش
مشروطیت ایران تا اندازه رهین فداکاری
آقایان مدیران جراید آنروزیست.

«تاریخ جرائد و مجلات ایران» درباره
سرمقاله شماره اول از سال اول روزنامه
اختر با عنوان «روزنامه و گزرت» یاد می کند
که بدینگونه شروع می شود: «روشنائی
بخش آفاق مدنیت و کحل الجواهر آفاق
ترقی ملک و مملکت تا میرسد باینجا که
بنابراین هرگز روانیست که در همچنان پای
تخت معظم اقلا یک روزنامه فارسی نباشد

جلوگیری شد.

یادداشت‌ها

- ۱- مولانا، دکتر حمید. «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران». تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸، صفحه ۲۷.
- ۲- مولانا، همان، صفحه ۲-۴۱.
- ۳- مولانا، همان، صفحه ۴۳.
- ۴- مولانا، همان، صفحه ۴۵.
- ۵ و ۶- مولانا، همان، صفحه ۴۳.
- ۸- مولانا، همان، صفحه ۴۶.
- ۹ و ۱۰- مولانا، همان، صفحه ۵۳.
- ۱۱- مولانا، همان، صفحه ۵۴.
- ۱۲- مولانا، همان، صفحه ۵۷.
- ۱۳- مولانا، همان، صفحه ۵۹.
- ۱۴- مولانا، همان، صفحه ۵۸.
- ۱۵- براون، ادوارد. «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت». ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت، جلد دوم، ۱۳۳۷، صفحه ۳۶.
- ۱۶- «روزنامه دولت علیه ایران - جلد نخست از شماره ۵۵۰-۴۷۳». تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، صفحه «ح». لازم است اضافه کنیم که راجع به تاریخ انتشار ایران روزنامه‌ها در هندوستان، میان منابع فارسی اختلاف دیده می‌شود که ما براساس تاریخ‌های ذکر شده توسط مولانا به تنظیم مطالب پرداخته‌ایم.
- ۱۷- مولانا، همان، برگرفته شده از صفحه ۷۳ تا صفحه ۷۸.
- ۱۸- «روزنامه دولت علیه ایران» - جلد نخست از شماره ۵۵۰-۴۷۳، همانجا، صفحه «ی».
- ۱۹- «روزنامه دولت علیه ایران»، همان، مقدمه از صفحه «ی» تا «ک».
- ۲۰- برای اطلاع بیشتر به مطالبی که ذیل «روزنامه دولت علیه ایران» در همین نوشتار آمده است مراجعه کنید.
- ۲۱- صدرهاشمی، محمد. «تاریخ جراید و مجلات ایران». اصفهان: کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، صفحه ۵-۹۴.

□ □ □

که هم فارسی دانان در این ممالک فسیحه را از وقایع و اخبار جهان و از آنچه بکار احتیاجات حالیه می‌آید بزبان شیرین و دلنشین آگاهی دهد...» (۲۱)

از روزنامه اختر از سال ششم تا سال بیستم آن یعنی شماره‌های مربوط به سال ۱۲۹۷ ق تا سال ۱۳۰۹ ق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی جهت استفاده محققین و دوستان آن موجود است.

به طور کلی باید گفت که محتویات این روزنامه از طرف تاریخ نویسان و از جمله پروفسور «ادوارد براون» بسیار تقدیر شده و آن را عامل مهمی در بسط و توسعه افکار جدید در ایران دانسته‌اند. نفوذ «اختر» به علت مقالات پر معنایی که توسط میرزامهدی و محمد ظاهر و عده دیگری از نویسندگان ایرانی تهیه می‌شد، بقدری در ایران بالا گرفت که در سالهای بعد یعنی چند سالی پس از انتشار آن، توزیع و خواندن آن از طرف حکومت ناصرالدین شاه ممنوع شد و برای مقابله با آن وزارت مطبوعات، تصمیم به انتشار روزنامه «ناصری» گرفت که تا مدتی به طور نامرتب در آذربایجان منتشر می‌شد. به هر حال، انتشار «اختر» در عثمانی، سبب شد تا عده قابل توجهی از آزادیخواهان ایران که در آن قلمرو زندگی می‌کردند به دور هم گرد آیند. روزنامه «اختر» به مدت بیست سال تا ۱۸۹۶ م در عثمانی انتشار می‌یافت و در این سال از طرف حکومت عثمانی توقیف و از انتشار آن